



۸۴۹

۵۰ درس پیرامون

عالم پس از مرگ

(سیری در جهان پس از مرگ)

مؤلف:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر حبیب الله طاهری



دفتر انتشارات اسلامی

دالستہ بہ جامعہ مدینہ ترین جوزہ علیہ قم

سرشناسه: طاهری، حبیب‌الله.
عنوان و نام پدیدآور: ۵۰ درس پیرامون عالم پس از مرگ (سیری در جهان پس از مرگ) [کتاب] / مؤلف
حبیب‌الله طاهری.
مشخصات نشر: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۶۳۰ ص.

فروست: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۸۴۹.
شابک: ۱- ۱۵۱- ۲۷۰- ۹۶۴- ۹۷۸
یادداشت: کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان «سیری در جهان پس از مرگ (حاوی ۵۰ درس در معاد)» توسط همین
انتشارات در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است.

یادداشت: چاپ ششم. عنوان دیگر: سیری در جهان پس از مرگ (حاوی ۵۰ درس در معاد).

عنوان گسترده: پنجاه درس پیرامون عالم پس از مرگ (سیری در جهان پس از مرگ).

موضوع: معاد. موضوع: مرگ -- جنبه‌های قرآنی.

شناسه افزوده: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ س ۱۶ ط / BP ۲۲۲

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۳۲۲۶۵



۵۰ درس پیرامون

عالم پس از مرگ

(سیری در جهان پس از مرگ)

- | | |
|-------------------|--|
| □ مؤلف: | حجة الاسلام والمسلمین دکتر حبیب‌الله طاهری |
| □ موضوع: | معاد |
| □ قطع: | وزیری |
| □ نویت چاپ: | نهم |
| □ چاپ و نشر: | دفتر انتشارات اسلامی |
| □ تعداد مجلدات: | یک جلد |
| □ تعداد صفحات: | ۶۳۲ |
| □ تاریخ انتشار: | تابستان ۱۴۰۰ |
| □ شمارگان: | ۳۰۰ |
| □ شابک: | ۱- ۱۵۱- ۲۷۰- ۹۶۴- ۹۷۸ |
| □ قیمت: | ISBN 978 - 964 - 470 - 151 - 1 |
| □ نشانی اینترنتی: | ۱۰۷۰۰۰ تومان |
| | WWW.EN-ESLAMI.IR |
| | info@En-Eslami.ir |

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ».

مفهوم جهان بینی و ایدئولوژی

یک مسلک و مرام و یک فلسفه زندگی؛ خواه ناخواه، بر نوعی اعتقاد و بینش و ارزیابی در باره هستی و بر یک نوع تفکر و تحلیل از جهان، مبتنی خواهند بود. و شخص معتقد به آن مسلک، نسبت به جهان، شناختی داشته و بر همان اساس، برای خود، تکالیف و وظایفی را قائل خواهد شد.

شناخت انسان از جهان و هستی را «جهان بینی» و وظایف و تکالیفی را که از آن شناخت، بر عهده می‌گیرد، «ایدئولوژی» می‌نامند.

به عبارت دیگر: توصیف از جهان را «جهان بینی» و طرحهایی که انسان را به سعادت و زندگی توأم با خوشبختی، رهبری می‌کند، «ایدئولوژی» می‌نامند.

به عبارت سوم: بینشها و گرایشها، «جهان بینی»، و روشها و کنش‌های در برابر آن، «ایدئولوژی» می‌باشد.

در فلسفه اسلامی، به جهان بینی، «حکمت نظری» و به ایدئولوژی، «حکمت عملی» و در اصطلاح «متکلمان»، به اولی، «اصول دین» و به دومی، «فروع دین» می‌گویند بنابراین، در هر مکتبی، باید دو عنصر، یا دو موضوع، وجود داشته باشد:
اول: «جهان بینی»؛ یعنی نقطه نظرهای مکتب درباره جهان. و به تعبیر بهتر

وصحیحتر: «برداشت مکتب از وجود هستی».

دوم: «ایدئولوژی»؛ یعنی مسؤلیتی که از این شناخت بر می‌خیزد و یا انسان به کمک عقل، آن را بر عهده می‌گیرد.

مکتب اسلام نیز قهراً از این قانون مستثنا نبوده و باید واجد این دو عنصر باشد که هست. «بهترین و صحیحترین جهان بینی و ایدئولوژی، از آن «اسلام» است.

ضرورت جهان بینی و ایدئولوژی

«زندگی انسان، هنگامی دارای ویژگی «انسانی» خواهد بود که مبتنی بر ایدئولوژی و جهان بینی صحیحی باشد، برای اثبات این مطلب، باید فرق اساسی بین زندگی انسان با سایر حیوانات را مورد توجه قرار داد.

تا آنجا که اطلاعات بشر، نشان می‌دهد، همه حیوانات در این جهت شریکند که زندگی آنها بر اساس «غریزه» اداره می‌شود. و شکلهای خاص آن را غریز و ویژه آنها تعیین می‌کنند. معمولاً «پرندگان»، بر اساس غریز خاصی، میل به ساختن آشیانه، جفتگیری و تخمگذاری پیدا می‌کنند، بعد مدتی روی تخمها می‌نشینند تا جوجه‌ها بیرون بیایند و سپس به غذا دادن آنها می‌پردازند تا هنگامی که آماده پرواز شوند. و به آنها پرواز کردن بیاموزند از آن پس، دیگر آنها را رها می‌کنند تا زندگی مستقل خود را آغاز کنند. پرندگان تخمگذار، هیچ‌گاه هوس زایمان نمی‌کنند و یا به فکر ساختن لانه‌ای در زیر خاک یا درون دریاها نمی‌افتند. هر یک از پستانداران و خزندگان و حیوانات دریایی، غریزه و ویژه‌ای دارند که شکل خاص زندگی آنها را تعیین می‌کند. اما «انسان»، هر چند دارای غریزی مانند: غریزه تغذیه و غریزه دفاع و غریزه جنسی می‌باشد، ولی زندگی او تنها بر اساس این غریز، اداره نمی‌شود، بلکه نقش عمده را «نیروی عقلانی» او ایفا می‌کند و خواستهای غریزی وی تحت رهبری آگاهانه «عقل» قرار می‌گیرند. و اراده انسان به کمک راهنمایهای عقل، تبلور می‌یابد و از اینرو، نیاز به ادراکات عقلی می‌باشد.

پس برای اینکه زندگی ما حقیقتاً زندگی انسانی باشد، باید بفهمیم که چه

می‌کنیم؟ و برای چه می‌کنیم؟ و آیا باید این کار را انجام دهیم یا نه؟ و آنگاه کاری را انجام دهیم که باید انجام بدهیم. و به شیوه‌ای انجام دهیم که باید به آن شیوه انجام داد، این بایدها و نبایدها، مبتنی بر یک بایدهای کلی‌تر و اصلی‌تری است که چهار چوبه اصلی رفتار ما؛ یعنی «ایدئولوژی» ما را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، ضرورت داشتن «ایدئولوژی» صحیح، ثابت می‌شود.

از سوی دیگر: احکام عملی عقل «ایدئولوژی» به نوبه خود، بر پایه احکام نظری (جهان بینی) استوار است؛ زیرا تا جهان بینی صحیح وجود نداشته باشد، ایدئولوژی صحیح، بی‌ریزی نخواهد شد.^(۱)

بنابر این، برای هر انسانی، اگر بخواهد زندگی انسانی داشته باشد، داشتن جهان بینی صحیح و ایدئولوژی عقل پسند، امری ضروری خواهد بود.

مسائل اساسی و بنیادی جهان بینی

ضرورت جهان بینی در مطلب قبلی برای انسانی که بخواهد زندگی انسانی و عقل پسند داشته باشد، ثابت شد. اینک می‌خواهیم ببینیم چه مسائلی در جهان بینی مطرح است؟ و کدامیک از آن مسائل، جنبه زیربنائی دارد؟؛ زیرا: «مسائلی که در جهان بینی مطرح می‌شود، از نظر ارزش و همچنین از نظر تقدم و تأخر وریشه‌ای بودن و فرعی بودن، مساوی نیستند. و طبعاً مسائل بنیادی از اولویت خاصی برخوردارند. و آنها به سه دسته «هستی شناسی، انسان شناسی و راه شناسی» تقسیم می‌شوند.

در بخش «هستی شناسی» از مسائلی گفتگو می‌کنیم که بتواند به ما یک بینش کلی در باره جهان هستی بدهد. و روشن کند که آیا هستی، مساوی است با ماده و پدیده‌های گوناگون آن، یا جهان ما تنها بخشی از جهان هستی را تشکیل می‌دهد؟ و در صورت دوم، آیا رابطه‌ای بین جهان ماده و ما و ماده موجود است یا نه؟ و در

صورت وجود رابطه، چه رابطه‌ای بین آنها وجود دارد؟ حلّ مسائل این بخش، به «خدا شناسی» منتهی می‌شود.

در بخش «انسان شناسی» مسأله «حقیقت انسان» مطرح می‌شود که آیا انسان تنها همین بدن مادی محسوس است یا دارای روح غیر مادی و نا محسوس هم هست؟ و در صورت دوم، آیا روح پس از مرگ و متلاشی شدن بدن، باقی می‌ماند یا نه؟ و آیا ممکن است بار دیگر زنده شود یا نه؟ و آیا واپسین زندگی انسان، محدود خواهد بود یا جاودانی؟ و آیا میان دو زندگی او، رابطه‌ای وجود خواهد داشت یا نه؟ حلّ مسائل این بخش به «مسأله معاد» منتهی می‌شود.

بنابر این، «معاد» و اعتقاد به زندگی جاوید و حیات اخروی، یک اصل از اصول جهان بینی اسلامی است، و «توحید و نبوت»، دو اصل دیگر آن. و در بخش سوم، از مسائلی گفتگو می‌شود که مبدأ و معاد انسان را به هم پیوند می‌دهد و نقش آفریدگار را در راهنمایی انسان به سوی سعادت ابدی، روشن می‌سازد.

در سایه حلّ این مسائل است که ما به این نتیجه می‌رسیم: برای شناختن برنامه صحیح زندگی فردی و اجتماعی، راه تضمین شده‌ای وجود دارد که پیروی از آن، نه تنها سعادت دنیوی و محدود و زودگذر، بلکه سعادت ابدی و جاودانی را برای هر فرد انسان فراهم می‌سازد. و آن راه «وحی» است که از طرف خدای متعال در اختیار پیامبران قرار می‌گیرد و به وسیله ایشان، در دسترس سایرین گذاشته می‌شود. و این راهی است که صحت آن از طرف خدا تضمین شده است.^(۱)

از بیان ما روشن شد که چرا مسائل سه گانه: «توحید، نبوت و معاد» به عنوان اصول دین؛ یعنی ریشه‌های ایدئولوژی اسلامی شناخته شده‌اند.

اهمیت معاد از دیدگاه اسلام

با مراجعه به قرآن کریم، روشن می‌شود که در میان مسائل عقیدتی، هیچ

مسأله‌ای در اسلام بعد از توحید، به اهمیت «مسأله معاد» و اعتقاد به حیات پس از مرگ و حسابرسی اعمال بندگان و پاداش و کیفر و اجرای عدالت، نیست.

وجود حدود «۱۲۰۰» آیه در باره معاد، در مجموع قرآن مجید، که قریب به یک پنجم آیات قرآن را تشکیل می‌دهد، و اینکه «تقریباً» در تمام صفحات قرآن، بدون استثنا ذکری از معاد به میان آمده و اینکه بسیاری از سوره‌های آخر قرآن، به طور کامل یا به طور عمده، در باره معاد و مقدمات و علائم و نتایج آن سخن می‌گویند، شاهد گویا بودن این مدعاست.

در جای جای قرآن مجید، بعد از موضوع ایمان به خدا، ایمان به جهان دیگری آمده و تقریباً درسی آیه، این دو موضوع را قرین هم قرار داده: ﴿وَتُؤَيِّتُونَ بِآلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾، یا تعبیری شبیه آن فرموده است. و در بیش از صد مورد، اشاره به: ﴿الْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ یا -الْآخِرَةِ﴾ فرموده است. چرا چنین نباشد در حالی که:

۱- ایمان به خدا و حکمت و عدالت و قدرت او، بدون ایمان به معاد، کامل نمی‌گردد.

۲- ایمان به معاد، به زندگی انسان معنا و مفهوم می‌دهد، و زندگی این جهان را از پرچی بدر می‌آورد.

۳- ایمان به معاد، روند تکاملی زندگی بشر را در مسیر روشنی نشان می‌دهد.

۴- ایمان به معاد، ضامن اجرای تمام قوانین الهی، و انگیزه اصلی تهذیب نفوس، و احقاق حقوق، و عمل به تکالیف، و ایثار شهیدان، و فداکاری فداکاران است. و انسان را حسابگر خویش می‌سازد.

۵- ایمان به معاد، روح دنیا پرستی را -که خمیر مایه تمام خطاها و جنایات است -

تضعیف می‌کند و دنیا را از صورت یک «هدف نهایی» بیرون آورده، مبدل به یک وسیله برای نیل به سعادت جاویدان می‌سازد، و چقدر میان این دو دیدگاه تفاوت است؟

۶- ایمان به معاد، به انسان در برابر شداید، نیرو می‌بخشد و چهره وحشت انگیز

مرگ را - که همیشه به صورت کابوسی بر افکار انسانها سنگینی داشته و آرامش را از

آنها سلب می‌کرده - دگرگون می‌سازد و آن را از مفهوم فنا و نیستی، به درجه‌ای به سوی جهان بقا تغییر می‌دهد.

۷- کوتاه سخن اینکه: ایمان به معاد، به اضافه ایمان به مبدأ عالم هستی، خط فاصل فرهنگ خدا پرستان و مادیین محسوب می‌شود^(۱). به همین دلیل است که منکرین معاد در صف کفار قرار داشته و از حیطة اسلام خارجند.

روش ما در تدوین کتاب

چنانکه بر اهل فن پوشیده نیست، منبع و منشأ ایمان بشر به زندگی جاوید و حیات اخروی، قبل از هر چیز دیگر، «وحی الهی» است که به وسیله پیامبران، به بشر، ابلاغ شده است. و انسان پس از اعتقاد به صدق گفتار انبیا و اینکه آنچه آنها ابلاغ می‌کنند، از طرف خدا و تحلف ناپذیر است، به حیات اخروی و عالم پس از مرگ ایمان آورده است؛ زیرا همه انبیا، ایمان به روز جزا را پس از اصل «توحید»، مهمترین اصل معرفی کرده بودند.

البته «عقل» نیز هر چند نسبت به جزئیات مسائل عالم آخرت، آگاهی و قضاوتی ندارد ولی نسبت به اصل عالم آخرت و اینکه باید عالمی غیر از عالم دنیا باشد تا در آنجا حساب نیکان و بدان رسیدگی شود؛ همانند وحی، حکم به ضرورت وجود آن می‌نماید.

لذا ما در تهیه و تدوین مسائل مختلف معاد در این کتاب، عمدتاً به سراغ آیات و روایات رفته و تا حد امکان، از آیات قرآن کریم استفاده کرده‌ایم، هر چند در رابطه با اصل «اثبات معاد»، براهین عقلی را نیز به کار گرفته‌ایم. و در آنجا نیز در ذیل هر برهان، آیات مربوط به آن برهان را آورده‌ایم.

و در تنظیم و ترتیب مطالب کتاب، کوشش بسیار کرده‌ایم تا مطالب، با دسته بندی خاصی که قابل فهم برای همه باشد، ارائه شود، لذا آن را در پنج بخش

و در مجموع، در «پنجاه درس» به ترتیب ذیل، خلاصه کرده ایم:

بخش اول - اثبات معاد و مباحث مربوط به آن (در ده درس).

بخش دوم - موت و مباحث مربوط به آن (در نه درس).

بخش سوم - عالم برزخ و مباحث مربوط به آن (در هشت درس).

بخش چهارم - عالم قیامت و مباحث مربوط به آن (در ده درس).

بخش پنجم - بهشت و جهنم و مباحث مربوط به آنها (در سیزده درس).

در خاتمه، از همه خوانندگان عزیز، تقاضا می‌نمایم که از کنار خطاها و لغزشهای نگارنده، کریمانه بگذرند و در صورت امکان، به ما گزارش دهند تا در چاپهای بعدی، اصلاح شود.

قم مقدسه، اقل عباد: حبیب الله طاهری

۲۱ شوال ۱۳۱۴ هجری قمری،

برابر با ۱۳ / ۱ / ۱۳۷۳ شمسی.